

## بررسی قدمت تاریخی تجاری پارچه ترمه یزد با هدف تجاری سازی دوباره آن

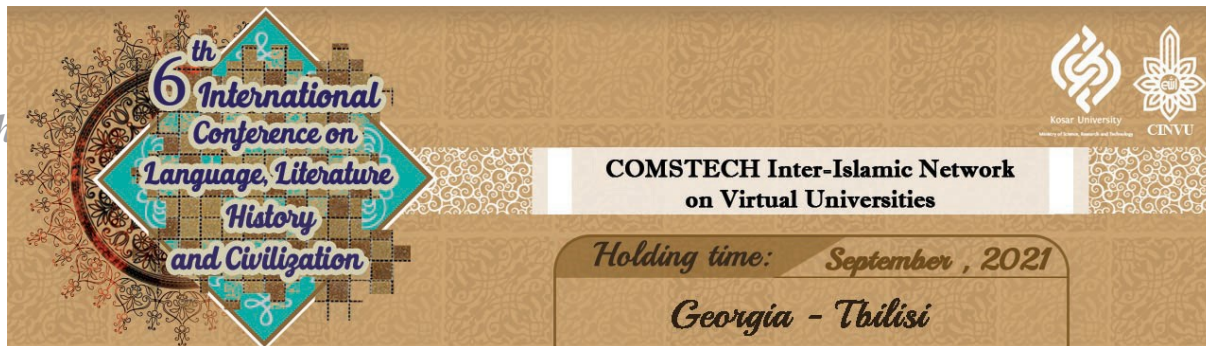
مرسده فاطمه یزدان بخش<sup>۱\*</sup>، سمانه بیات<sup>۲</sup>، الهام سلیمی<sup>۳</sup>

- ۱- دکترای تخصصی مهندسی شیمی نساجی مدرس دانشگاه جامع علمی کاربردی واحد جهاد دانشگاهی کرج - البرز-ایران
- ۲- دانشجوی کارشناسی طراحی لباس مشاغل دانشگاه جامع علمی کاربردی واحد جهاد دانشگاهی کرج - البرز-ایران
- ۳- دانشجوی کارشناسی طراحی لباس مشاغل دانشگاه جامع علمی کاربردی واحد جهاد دانشگاهی کرج - البرز-ایران

### چکیده

هنر پارچه بافی و طراحی پارچه، به دلیل کاربردهای مهم آن در زندگی انسان، همواره مورد توجه حکومت ها و مردم بوده است. دو سلسله ی هم عصر صفوی و عثمانی نیز، در اثر حمایت و توجه خاص پادشاهانشان، به این هنر موفق به تولید پارچه هایی فاخر شدند. این پارچه ها دارای شباهت ها و تأثیرپذیری های متقابل و همچنین تفاوت هایی از نظر نقوش و رنگهای مورد استفاده بودند. هرچند آمار مشخصی که نشان دهنده میزان تولید منسوجات سنتی در سده های پیشین باشد، موجود نیست، اما آنچه مسلم است، این است که، تولید این منسوجات در گذشته از رونق خاصی برخوردار بوده و پارچه های مرغوب یزد، در تمام نقاط دنیا شهرت و اعتبار داشته اند. از جمله پارچه نفیس ترمه، با توجه به ظرفیت های بالایی که در زمینه های دکوراسیون داخلی منازل و همچنین طراحی لباس دارا می باشد با حمایت و توجه می تواند، سهم بزرگی از بازار مصرف را به خود جلب نماید. با توجه به اینکه هنر و صنعت نساجی در استان یزد، از اصیلترین، سودآورترین و پویاترین صنایع محسوب می شود، توانسته این استان را دومین کانون نساجی کشور سازد. لذا در این پژوهش با نگاهی جامع به قدمت تاریخی این پارچه سنتی ایرانی عوامل تاثیرگذار بر استفاده دوباره آن مورد ارزیابی قرار گرفته است.

**واژگان کلیدی:** نساجی، طراحی، ترمه، پارچه، تاریخ



## مقدمه

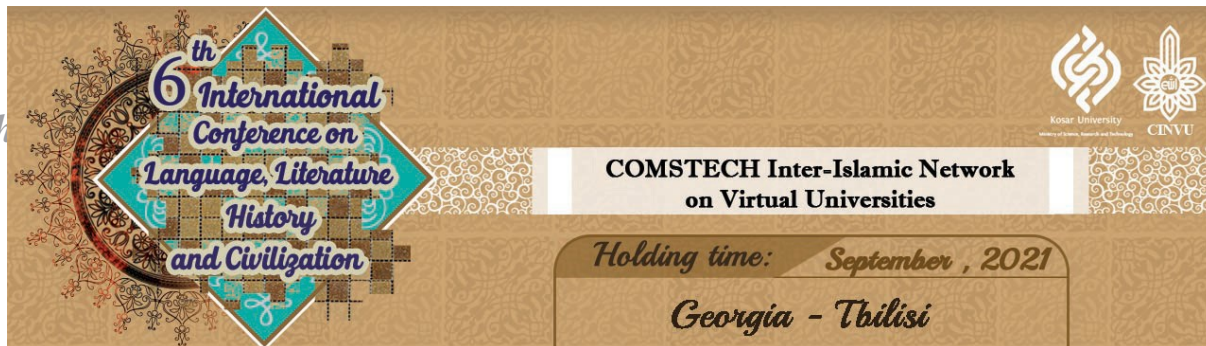
پارچه ترمه در ایران از قدمت تاریخی بالایی برخوردار است. پارچه ترمه همانند فرش دست بافت در زمان های قدیم بادست بافته می شد. اما امروزه به صورت نیمه صنعتی بافته می شود. شهرت ترمه ایرانی در جهان باعث شد هنرمندان از گذشته این پارچه را شناسنامه دار کنند و نام پارچه و تولید کننده آن روی پارچه حک شود بخصوص در ترمه های یزدی سال بافت پارچه دیده می شود. با توجه به اینکه بیشترین طرفداران این پارچه اروپاییان هستند احیای دوباره آن می تواند ارزش آوری قابل توجهی داشته باشد. (نیرومند ۱۳۹۲)

پارچه ترمه به پارچه ظریف و لطیفی گفته می شود که از درگیری دو سری نخ تار و پود تشکیل شده است به نحوی که پود در پشت پارچه به صورت آزاد و تراکم پودی آن زیاد باشد. جنس آن از کرک و پشم یا ابریشم با طرحهای اصیل و سنتی ایران است. طبق اسناد و مدارک تاریخی شروع ترمه بافی در ایران به اوایل عصر صفویه می رسد هرچند برخی براین باورند که زادگاه اصلی ترمه قلب آسیای مرکزی و ارتفاعات کشمیر است اما گفته می شود ترمه بافی در ابتدا در ایران آغاز گردید و سپس به کشمیر راه یافته است.

آنچه در خصوص این پارچه بسیار ظریف می توان گفت این است که ذوق و سلیقه و ابتکار ایرانیان در ظرافت بافت، جنس و طرحهای خیال انگیز آن در جهان کم نظیر می باشد. این هنر در دوره شاه عباس صفوی به اوج شکوفایی و تکامل خود دست یافت، که شهره جهان گشت و به یکی از محصولات صادراتی ایران مبدل شد. واژه ترمه به کسر «ت» و سکون «ر» و کسر «م» لغتی است هندی و به معنی درخت سروی است که نوک آن خمیده شده باشد. علل وجودی سرو شکسته را در نقوش ترمه بعضی خضوع و خشوع در مقابل عظمت الهی و آفرینش هستی می دانند. عده ای دیگر سرو را به جای ایران و شکستگی آن در مقابل اعراب بعد از جنگ (ایران و اعراب) می دانند. ترمه که به روایتی از ایران به کشمیر راه برده است و به روایتی دیگر در کشمیر تولد و تکوین یافته و در ایران نیز ریشه دوانیده عمری تقریباً چهارصد ساله دارد و از پیشینه آن تا قبل از سال نهمصد هجری قمری اطلاع چندانی در دست نیست. ایرانیان معمولاً خواستگاه شال را کشمیر می دانند زیرا شالهای کشمیر به سبب مرغوبیت بسیار بر بازار ایران غلبه داشته است اما شواهد فراوانی در دست است که این هنر اولین بار توسط شاهزاده ای ایرانی که به عنوان گروگان در دربار تیمورلنگ به سر می برد، به کشمیر برده شد و با بافندگانی که زین العابدین شهریار فرهنگ پرور سده نهم هجری آنان را از ایران برد در کشمیر رواج یافت. در تاریخ کشمیر نوشته اند که منسوجات پشمی اصل بیگانه درند و برازنده شاهانند و اینک کشمیری ها آنرا می بافند. (یوسف جمالی و دیگران).

## -چارچوب پژوهش

### ۱-۲- هدف و ضرورت پژوهش



هدف از این پژوهش با توجه به قدمت تاریخی هنر ترمه بافی و بازار تقاضای آن به گواه تاریخ، بررسی صنعت ترمه بافی قبل از ورود پارچه ها و منسوجات بافت کارخانه های ماشینی غرب به ایران از منظر رونق اقتصادی چشمگیر آن است تا دوباره شاهده احیای هنر و اقتصاد این پارچه نفیس در طراحی های لباس به صورت جامع در عصر کنونی باشیم.

## ۲-۲ سوال پژوهش

مسئله اصلی در این مطالعه تحلیلی بررسی تاریخچه ترمه بافی در یزد از منظر زیباشناختی و رونق بازار است که در این راستا سوال مطرح می شود:

آیا احیای دوباره ترمه بافی و نقوش آن بر روی پوشاک می تواند باعث رونق اقتصادی شود که مطابق اسناد تاریخی موجود شاهده صادرات پوشاک با نقوش ترمه باشیم؟

## ۲-۳ پیشینه پژوهش

بررسی های انجام شده از طریق اسناد و مدارک پژوهشی کتابخانه ها و وبسایت های علمی موید این نکته است مطالعات در خور توجهی از منظر تاریخی روی ترمه بافی انجام شده است، اما نتیجه این مطالعات باعث احیای چشمگیر این هنر از منظر اقتصادی روی پوشاک نشده است. لذا مطالعه تحلیلی از نگاه اقتصادی روی این پارچه ی تاریخی ارزنده خالی است که در این مطالعه سعی شده است ارزش های تاریخی این پارچه از منظر زیباشناختی و رونق اقتصادی مورد ارزیابی قرار گیرد.

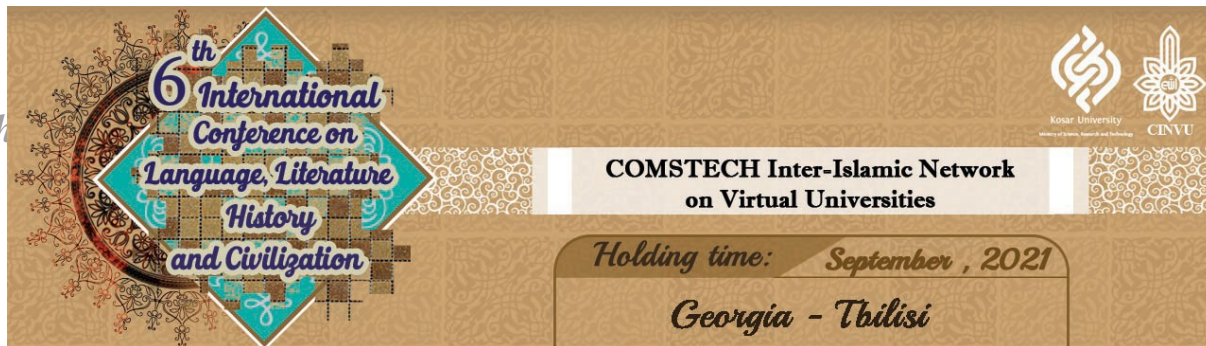
## ۲-۴ روش پژوهش

روش پژوهش به شیوه توصیفی تحلیلی و بر مبنای مطالعات کتابخانه ای می باشد.

## ۳- مبانی نظری پژوهش

طراحی منسوجات در حوزه مد و لباس، یک عرصه زیبایی شناسی متغیر و مبتنی بر جایگزینی مداوم طراحی های جدید با هدف بهره برداری اقتصادی است. باور ساختن ارزش های نهفته در درون جوامع، از طریق بازگشت فرهنگی، قادر است تا برخی از ارزش های نهفته درون جوامع را بارور سازد. منطقه گرایی و توجه به بوم و فرهنگ و واکاوی در گذشته این کسب و کاری می تواند مفید باشد. ترمه بافی به شکل سنتی آن، هم اکنون در هوتک کرمان و یزد و نیز در کارگاه های اداره کل هنرهای سنتی وابسته به سازمان حفظ میراث فرهنگی صورت می گیرد. استان یزد یکی از مناطق کویری کشور به حساب می آید، اگرچه به علت نداشتن امکانات لازم جهت فعالیت در زمینه کشاورزی و تولید انواع محصولات زراعی و رشد و توسعه آن با مشکلات عمده ای روبروست، اما به سبب برخورداری از مردمانی سختکوش و هنرمند توانسته است جایگاه والایی در صنعت، هنر و معماری کشور کسب نماید. (نیرومند، ۱۳۹۲) این موقعیت از رهگذر آثار و بناهای تاریخی (که در نوع خود سرشار از دقایق و ظرافت های هنری است) و نیز تولید قابل ملاحظه انواع پارچه (که حاصل فعالیت گسترده کارگاه ها و واحدهای نساجی این استان است)، حاصل گردیده و نشان از سابقه درخشان و قدمت و ذوق و هنر دستبافان این استان دارد. به طوری که در تاریخ جدید یزد آمده است از آنجا که یزد همیشه از مراکز مشهور بافت





پارچه های ابریشمی و مرغوب بوده، ابریشم استرآباد که از مالالتجاره های معروف بوده، به این شهر آورده شده است. در وقفنامه «رشیدالدین فضل الله همدانی» نیز از محلی به نام «دارالبیع» یاد شده است. از این نام چنین برمی آید که محل یاد شده مرکزی بوده است برای داد و ستد، همچون قیصریه ها در عصر صفوی و قاجار. در متون کتاب های تاریخی مربوط به یزد نام کاروانسراها و بازارهای متعددی ذکر شده است و این، همه حکایت از اهمیت تجارت شهر در امور مختلف دارد. (رمضانی ۱۳۸۷) دستبافی به عنوان یک «هنر - صنعت» اصیل و سنتی با سابقه ای بس طولانی در استان یزد علاوه بر قدمتش از پیشرفت و ترقی شایان توجهی برخوردار است و به یقین میتوان ادعا نمود میزان توسعه و رشد آن چشمگیر بوده است.

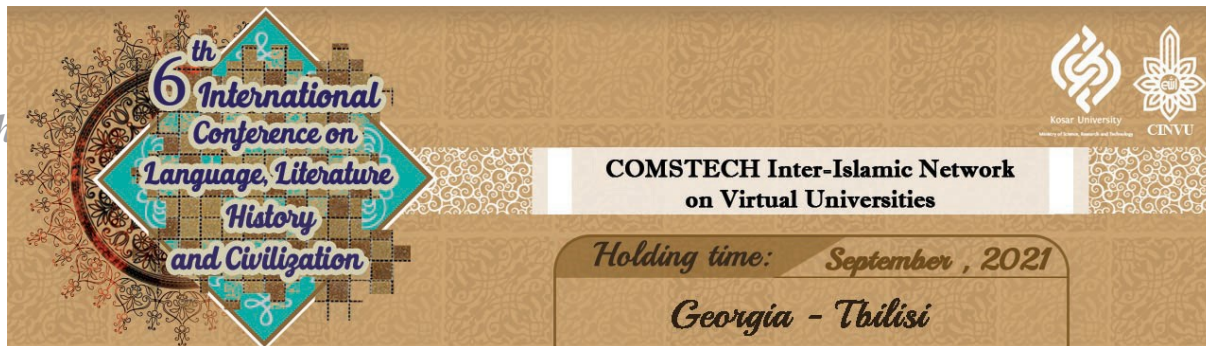
### ۱-۳- بررسی تاریخچه ترمه بافی یزد، از منظر زیباشناختی و رونق بازار

تاریخ یزد نشان می دهد که یزد همیشه در نساجی بهترین الگو بوده است و هنوز بازمانده های تولیدات پارچه های یزد در موزه های جهانی خودنمایی می کنند. از زمانی که انسان در تمامی جهان نیازمندی خود را برای پوشش احساس کرد هنر نساجی آغاز شد. امروزه هنر و صنعت نساجی در استان یزد، از اصیلترین، سودآورترین و پیشتازترین صنایع محسوب میگردد، به طوری که این استان را دومین کانون نساجی کشور ساخته است.

یکی از دلایل این پیشرفت را میتوان وجود راه ابریشم که یکی از شاهراه های اقتصاد کشور بوده دانست. به خاطر وجود این راه، افرادی علاقه مند با وسایل بسیار ابتدایی درصدد تهیه دستگاه های بافندگی، برآمدند و به بافت پارچه پرداختند. ابتدا این مسأله بیشتر در میان زنان خانه دار و به عنوان تنوع شغلی در کنار کارهای خانه پدید آمد و سپس با رشد و پیشرفت این هنر و صنعت به عنوان شغل اصلی مردان نیز درآمد. (انصاری ۲۰۱۴)

لازم به ذکر است که بافنده یزدی نه فقط در بافته های هنری، بلکه در طراحی و ساخت دستگاهها، ابزار و طراحی پارچه نیز از مهارت خاصی برخوردار است و هرگاه صحبت از نساجی و تولید انواع پارچه به میان می آید، نساجی یزد و هنر بافندگان یزدی مورد بحث و گفتگو قرار می گیرد. بافندگانی که از زحمتکش ترین و محروم ترین کارگران به شمار می آیند و در درون کارگاه های محقر و نمور و نیمه تاریک خود به اتفاق هم، پیر و جوان با وسایل بسیار ساده و ابتدایی پای دستگاه های سنتی نشسته و تلاشی صمیمانه و صادقانه در حفظ میراثی که از نیاکان خود برایشان به یادگار مانده، دارند. بافته های آنها اگرچه ساده به نظر می رسد، اما نشان از کاری مقدس و ستودنی دارد که در نقش ها کاملاً هویدا است.

صنعت بافت پارچه در قرن ۱۹، یعنی در اواخر حکومت قاجاریه با گسترش مناسبات سرمایه داری که به صورت جبری و اجتناب ناپذیر بود و با غارت مواد خام و تصاحب بازارها جهت فروش کالا و سود بیشتر، مواجه شد و باعث ضعف این هنر گردید: از یک طرف به دلیل ضعف تاریخی و اقتصادی - اجتماعی امکان توسعه سرمایه داری محدود شد و به تبع آن ظهور یک طبقه سرمایه دار قوی با پشتوانه ملی را عاجز بود و از سوی دیگر، وابستگی حکومت به استعمار روس و انگلیس



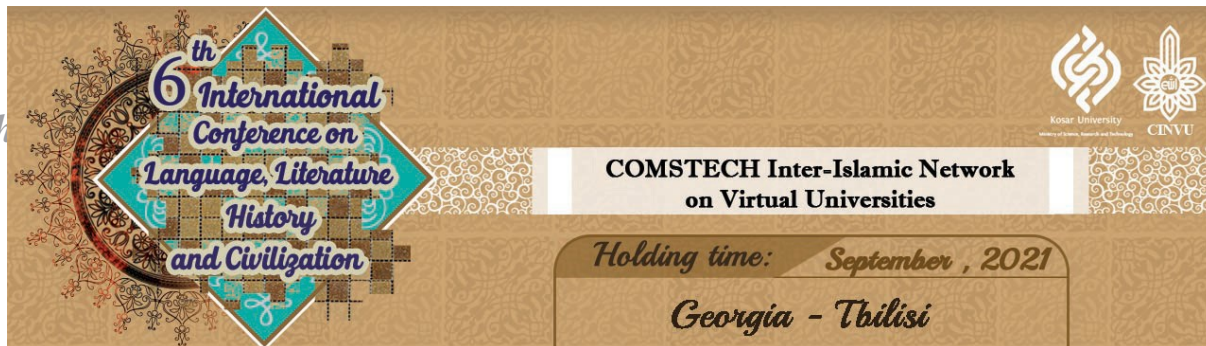
سبب شد که هیچ گونه تحرک و پویایی را در اقتصاد ملی ایران شاهد نباشیم که نتیجه آن فروپاشی صنایع داخلی و نابودی همه جانبه آن شد. (انصاری ۲۰۱۴ و یوسف جمالی و دیگران ۱۳۹۵)

علاوه بر این موارد، پایین بودن قدرت خرید مردم - گرانی مواد اولیه - مقدار کم بافت در طول روز - ظهور ماشینهای پارچه بافی و رقابتهای بازرگانی را در اواخر دوره قاجاریه میتوان به عنوان عوامل مؤثر در منسوخ صنعت ترمه به شمار آورد. از آنجا که در عصر صفوی نساجان یزدی میراث گذشته خود را به عالیترین سطح ارتقا بخشیدند، لذا پیش از بحث درباره ابعاد این شکوفایی، بررسی دو نکته اساسی ضروری است: اول: عوامل مؤثر در اقبال و گسترش صنعت پارچه بافی در یزد و دوم سیر تاریخی این صنعت تا دوران صفوی. در بعد نخست، میتوان به عوامل زیر اشاره کرد: ۱- امنیت و ثبات نسبی در حیات سیاسی و اجتماعی، نه تنها در رشد تجارت و صنایع مهم مینمود بلکه صنعتگران بسیاری را از دیگر مناطق به یزد جذب می کرد. ۲- به رغم شرایط نامطلوب اقلیمی، در تکیه اهالی به اقتصاد زراعی، موقعیت مواصلاتی و پیوند با حوزههای تجاری ایران زمینه مساعدی را در گسترش تجارت و صنایع یزد فراهم می آورد ۳- با توجه به نبود تکافوی کشاورزی به عنوان اقتصاد برتر، فضای تجاری و صنعتی موجود در یزد، زارعین یزدی را به تربیت درختان توت برای تهیه ابریشم خام هدایت کرد.

۴- یزد به عنوان نماد برجسته تمدنهای کاریزی، حائز برجسته ترین ویژگی آن یعنی توسعه صنایع دستی بود. (انصاری ۲۰۱۴ و برن ۲۰۱۳)

بنابر مقتضیات اقتصاد تجاری، وجود طبقه ای از تجار در منطقه، از دو جهت به توسعه نساجی کمک می کند: الف: ورود مواد مورد نیاز از دیگر مناطق. ب: صدور منسوجات تولیدی. بر پایه شرایط مذکور هر چند قدمت نساجی یزد را میتوان تا قرون نخستین اسلامی و حتی قبل آن رساند. اما از دوره ایلخانان به بعد، یزد در کنار چند مرکز مهم پارچه بافی ایران پیشرفت بسیار زیادی می کند. دوره صفویه رامیتوان دوران طلایی صنعت پارچه بافی ایران دانست. در کاخها، چادرها و ساز و برگهای پادشاهان صفوی فرشها، پردهها و ابزارهای ساخته شده، از زیباترین انواع پارچه به کار می رفت. از بزرگترین مراکز پارچه بافی در این دوره میتوان به شهر تبریز، یزد، اصفهان، کاشان، رشت، مشهد قم، ساوه، سلطانیه، اردستان و شیروان اشاره کرد. ویژگی محصولات این شهرها نرمی و نازکی، دقت بافت و چشم نواز بودن رنگهاست و در این میان یزد از مراکز اصلی نساجی و ابریشم بافی در این دوره به شمار می آید. تبریز و یزد به بافتن پارچه های دارای نقوش آدمی که تصویرگران مشهور عهد صفوی به ترسیم تصاویر آنها می پرداختند و هنرمندان آنها را می بافتند، شهرت داشتند. پارچه هایی که در این دوره خاصه در زمان شاه عباس اول بافته شده است، در تمام تاریخ هنر نساجی جهان همتا ندارد. در زمان همین پادشاه در اصفهان کارگاهی به نام کارگاه شاهی دایر و از تمام هنرمندان زری بافی در خواست شد تا برای زنده کردن این هنر به اصفهان کوچ کنند. (لطیفی ۲۰۱۹)

شاید نظر کسانی که معتقدند ترمه نخستین بار در کشمیر بافته شده است مقرون به حقیقت و مناسبتر از دیگران باشد. بافندگان کشمیری با استفاده از پشم مرغوب و لطیف بره های آن نواحی به تولید ترمه های لطیف زیبا پرداخته و آن را



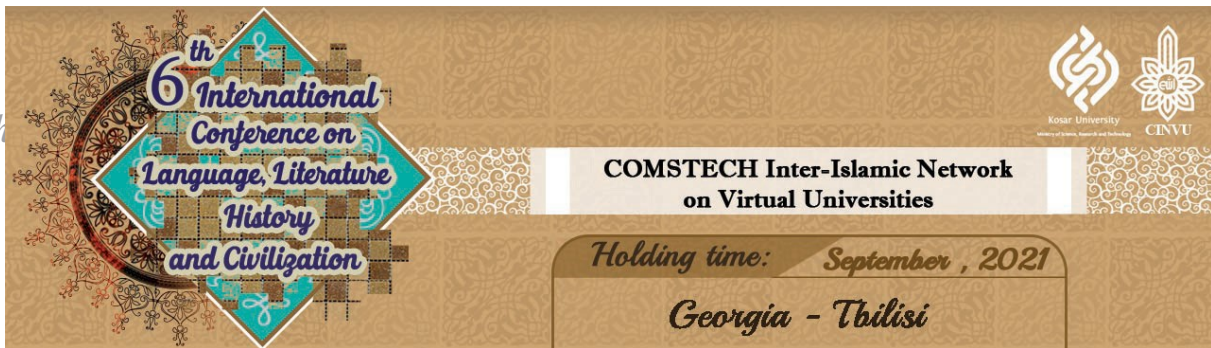
به کشورهای هم جوار صادر کرده اند. علاوه بر ساخت شبانی، موقعیت اجتماعی و سیاسی کشمیر نیز از جغرافیا تأثیر پذیرفته است. وجود رشته کوه های مرتفع هیمالیا و دره های عمیق و تاریک آن دیار، مردان آن نواحی را به دور از غوغای جنگها ستیزها به بافندگان ماهر و زبر دست بدل کرده است. از امتیازات دیگری که منطقه کشمیر به دلیل جبر جغرافیایی از آن بر خور دار شده بود، همسایگی و هم جواری با دو کشور پیشرفته و بزرگ منطقه (هندوستان و ایران) است که با صادر کردن پارچه های تجملگرایی به این دو کشور، صورت می گرفت. کشمیر را به عنوان عمده ترین صادر کننده پارچه ترمه در آورده است. بیراه نیست که صنعت ترمه، بعدها از دوره صفویه یا دوره های متأخرش توسط بافندگان ایرانی مورد تقلید و اقتباس قرار گرفته باشد. دلیل دیگری که در جهت تقویت این نظریه میتوان گفت، همانا نبودن پارچه ترمه پیش از دوران صفویه در ایران است. هندها طرح بوته را سوک نامیده اند و معتقدند سوک از رسوبات رودخانه "جوونا" در مسیر عبورش از کشمیر به سمت جلگه هندوستان الهام گرفته است. (مروج ۲۰۱۶)

برخی ترمه یزد را تکامل یافته ی پارچه بافت کرمان به نام رضا ترکی دانسته اند. در اوایل قرن سیزدهم، در جهت پیشرفت و بازدهی بیشتر، همچنین تکامل در بافت ترمه، تحولاتی در این کار صورت گرفت که مهمترین آن توسط شخصی به نام "رضا ترک" انجام شد. او بافت با انگشت را که سوای تولید اندک، خستگی بیش از اندازه ای را برای بافنده همراه داشت منسوخ کرد و بافت ترمه با ما کورا، عملی گردانید و از ابزار و وسایل بیشتری چون: ما کو، دفتین، و نقشه که توسط دو نفر، یکی استاد کار و دیگری گوشواره کش انجام می گرفت، استفاده نمود. کار گوشواره کش را بعداً ماشین ژاکارد انجام داد. ترمه بافته شده به این روش به "رضا ترکی" معروف شد. (هم اکنون این ترمه بهترین نوع ترمه است). این ترمه که دارای بته های بزرگی است در شهرهای تبریز، مشهد، ارومیه و... به فروش میرفته است. (یاوری ۱۳۸۲)

ترمه در یزد به، انگشت باف هم شهرت داشته است. به گواه تاریخ در اوایل قرن سیزدهم، مالیات های سنگینی برای کشاورزان ایرانی مقرر شد، که سبب رکود تولید مواد اولیه ترمه، چون پشم، ابریشم، پنبه گردید و ادامه کار ترمه بافان را دشوار ساخت. در همین دوران مقرر شد شال بافان کشمیری عوارضی به نام عوارض داغ پرداخت نمایند. در اواخر سلطنت ناصرالدین شاه، غلبه سلیقه اروپایی بر سلیقه ایرانیان و وجود طرح های متنوع و رنگ های درخشان در شال های کشمیری، باعث برتری شال کشمیری در بازار ایران و دیگر کشورها شد. جنس ترمه ابتدا از پشم بود و بعد پنبه ای، زری و ابریشمی آن بافته شد. اما بافت ترمه ابریشمی به سبب مقاومت بیشتر ابریشم در برابر بید و رطوبت، رواج بیشتری یافت. در ایران بافت ترمه بیشتر برای استفاده در لباس بود و به پشت آن اهمیت نمی دادند، اما در کشمیر ترمه به گونه ای بافته می شد که اضافه هر پود را در رج بعدی به کار می بردند، طوری که پشت و روی پارچه یکسان باشد. (یوسف جمالی ۱۳۹۵)

در اواخر قرن سیزدهم به علت کم شدن کارگاههای ترمه بافی و بالا رفتن کیفیت کار ترمه و همچنین نقشهای متنوع که توسط ملاحیدر و جعفر نقشبند عرضه می شد، هنر ترمه بافی یزدی، از توجه بیشتری برخوردار شد و تا سال ۱۳۶۰ هـ ش ترمه رضایی با نقشهای کشمیری، گلزاری، بته بزرگ به بازار عرضه می گردید. علاوه بر ترمه رضایی،





ترمه های هاشمی، سالاری، ترمه خجسته، از قدیمیترین ترمه هایی هستند که مورد توجه علاقمندان به این هنر بوده اند.

انواع ترمه های ایرانی و کشمیری بشرح زیر می باشند:

۱- شال چهارقدی: اندازه آن  $1/5 * 1/5$  می باشد و برای روسری یا بقچه بکار می رود که هم لچک ترنجی آن متداول بوده و هم نوع گلدار آن.

۲- شال راه راه: که بر دو نوع است:

الف) شال راه راه پهن

ب) شال راه راه باریک

و هر کدام نوع مصرف خودش را متناسب با سلیقه افراد در استفاده از آنها دارد.

۳- شال اتابکی: از نوع کشمیری است و از پشم بسیار لطیف بافته می شود.

۴- شال بندی: نقشه آن شبیه لانه زنبور است و داخل هر خانه یک گل یا یک بته می خورد

۵- شال محرمات: به نوعی شال راه راه گفته می شود که پهنای رهای آن متفاوت است .

۶- شال کشمیری: به انواع شالهای بافت کشمیر گفته می شود که معروفترین آن نقشه بته جقه، نقشه شاخ گوزنی و نقشه درختی می باشند .

۷- شال زمردی: نوع اعلائی شال کشمیری است که زمینه نیلی با نقشه بته جقه و رنگهای بسیار زنده بخصوص رنگ سبز زمردی دارد .

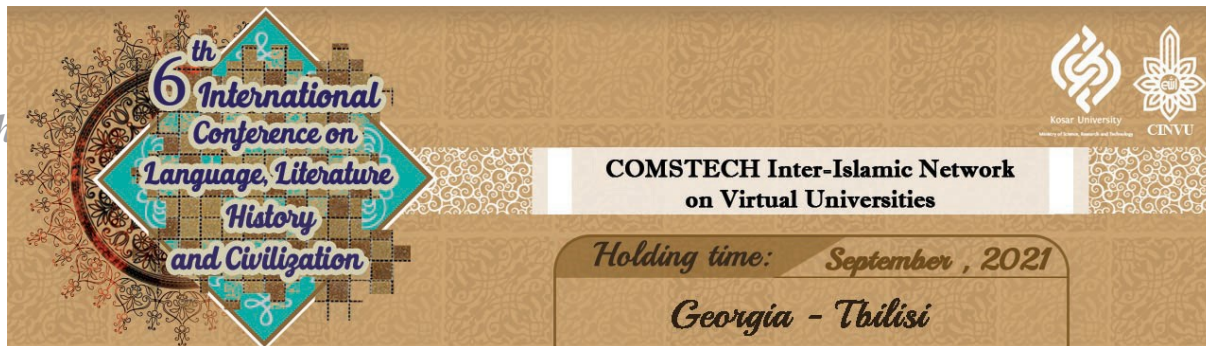
۸- شال کرمان: به تمام شالهای بافت کرمان گفته می شود و انواع گوناگون دارد .

۹- شال امیری: همچنانکه از نامش پیداست از انواع درباری و اعلائی شالهای کشمیری است عموماً نقش بته جقه و شاخ گوزنی آن دیده شده است .

۱۰- شال یزدی: ترمه های یزدی به ترمه های بافت منطقه یزد گفته می شود که اکثراً یا راه راه هستند و یا گلهای شاه عباسی می خورند که قدیمی و نایاب هستند.

یکی از وظایف مهم و مشکل بافنده ترمه انتخاب رنگ و جور کردن آنها می باشد که این جور کردن یا از طریق رنگهای متجانس و دارای هارمونی میسر است یا از انتخاب رنگ متضاد در یک فرم مشخص که باعث نوعی تجانس و زیبایی می شود، که این مسئله یک راز در هنر ترمه ایرانی است. (یاوری ۱۳۸۲ و یوسف جمالی ۱۳۹۵)

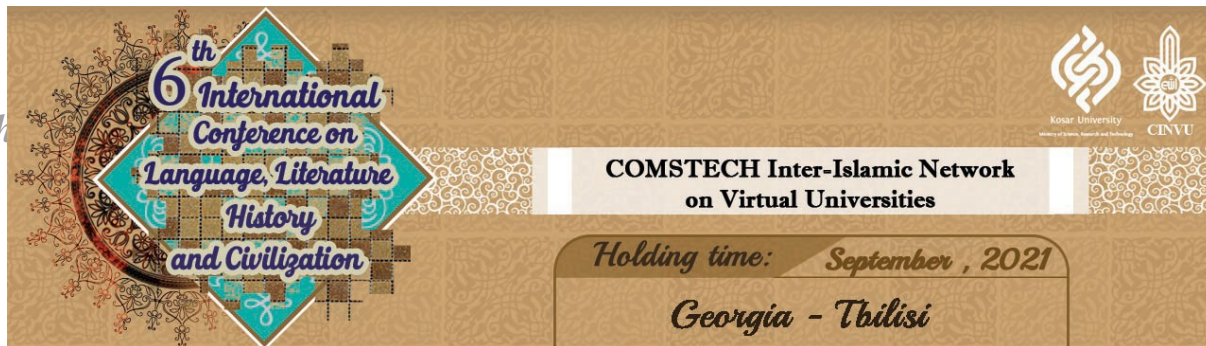
هم اکنون از ترمه به عنوان پرده ای، بقچه، رومیزی، جانمازی و... استفاده می شود. ضمن آنکه در پارچه ظریف و به صورت تکمیلی آن میتوان کیفهای زنانه و مردانه و پستی را نیز تولید و عرضه نمود. ایرانیان از قدیم ترمه را برای سنتهای خیلی مهم استفاده می کردند: مثلاً در شهر اصفهان مهریه ی هر عروس حداقل یک شال ترمه است و در خانه های قدیمی و سنتی پارچه های ترمه خیلی اصیل و قدیمی یافت می شود. به طور خلاصه ایرانیان برای پارچه ترمه ارزش خاصی قائل



هستند و امروزه در کل جهان ترمه ایران شناخته شده است که بیشترین طرفدار پارچه ترمه اروپائیان هستند. ترمه ایران در دوره شاه عباس به اوج شکوفایی و تکامل خود دست یافت. در حال حاضر پرورش کرم ابریشم در استانهای گیلان، مازندران، خراسان، آذربایجان، اصفهان و یزد رایج است. یزد از دیرباز از مهمترین مرکز تولید منسوجات ترمه ایران بوده است و سابقاً در این شهر حدود ۷۰۰-۴۰۰ دستگاه ترمه بافی وجود داشته است. در کتاب ترمه های سلطنتی ایران و کشمیر (یوسف جمالی و دیگران ۱۳۹۵) درباره منشأ اصلی طرح بته جقه این نظریه وجود دارد که مبدأ اصلی طرح بته جقه را همان گلکهای صفوی دانسته اند. در قرن هفدهم گلها و بوته ها نسبت به محور عمودیشان تقارن دارند. گلکهای صفوی که غالباً همان گل محمدی هستند. گل بزرگ در قسمت فوقانی بوته دارند و گل فوقانی به دلیل بزرگی وزنش گاه خمیده نشان داده می شود. این حالت رفته رفته در میان طراحان مطلوب واقع گردید، تا اینکه در اواخر قرن هجده و نوزدهم میلادی به صورت بقه جقه در آمد و موجودیت اولیه خود را که بوته گل باشد از دست داد و تنها فرم آن باقی ماند. بافت ترمه های پشمی در کشمیر قبل از ایران متداول گردیده و از دوره ی صفویه تا قاجار ترمه های کشمیری به ایران صادرمی شدند. بافت بسیار ظریف و نقشه و طرحهای عالی، این ترمه ها را در دنیا مشخص کرده اند. ترمه های کشمیر از پشم بسیار لطیف و نرم بره های کشمیری بافته می شدند و به دلیل نرمی این پشم ترمه های بافت کشمیری پوست بدن را ناراحت نمی کردند و غالباً برای لباسهای درباری و اشرافی در هندوستان و ایران به کار می رفتند. نمونه های کشمیری جانماز، با طرح های کاملاً صفوی هم یافت شده اند که نشان می دهد بسیاری از ترمه های کشمیری را برای ایران و طبق سلیقه و دستور ایرانیان می بافتند. یکی از قسمتهای ضروری لباسهای ایرانی در دوره شاه عباس و زمان بعد از او شال کمر بوده است که از ایران به شرق اروپا راه یافته است. (چند نمونه کامل و چند قطعه در موزه مترو پولتین وجود دارد). عالیترین آن شال، ترمه شال، نوعی پارچه نفیس که از کرک بافته می شود، جنس مرغوب آن از کشمیر و کرمان است، کمری است که از طرف جرج برات به موزه اهداء شده است. علاوه بر ترمه رضایی، ترمه های هاشمی، سالاری، ترمه خجسته، از قدیمیترین ترمه هایی هستند که مورد توجه علاقمندان به این هنر بوده اند. ترمه گویا در بدو ورود از کشمیر به ایران توسط زرتشتیان یزد رواج یافت. (رفعت ۲۰۲۰)

در حال حاضر تولید ترمه نیمه دستی است. برخی از ترمه بافان معروف یزدی در دوران صفوی و قاجار عبارتند از: آقای حسین خجسته، علی جوان، مهدی طاووسی، محمد مشهدی مویاب (چهار منار)، حسن صادق، علیاکبر عاشق طوسی، حیدرخان بیوکی (کوچه بیوکی). در سال ۱۸۰۹م، با اختراع دستگاه تشکیل دهنده ژاکارد، توسط شارل ماری مکانسین فرانسوی، متولد لیون، صنعت بافندگی هنری که تا آن زمان به صورت دستی انجام می گرفت، به صورت مکانیزه درآمد در یزد، پارچه، زربفت و شال مخصوصی به نام «شال ابریشم» بافته می شد که رنگهای آن از روناس، گل زعفران، نیل، پوست انار و زاج کبود تهیه می شد. این شالها بسیار مرغوب بودند و با شالهای کشمیری برابری می کردند؛ اما با قیمتی نازلتر از شالهای کشمیری عرضه می شدند. (لطیفی ۲۰۱۹) نخستین مرحله بافت ترمه تهیه کردن مواد اولیه آن است. معمولاً ترمه از پشم و ابریشم می بافند اما پشم سفید رایجترین پشمی است که در بافت ترمه مورد استفاده قرار می گیرد





زیرا میتوان آنرا با هر رنگی که دلخواه است رنگ آمیزی نمود. پشم ترمه باید مرغوب باشد و لیاف بلندی داشته باشد که گوسفندان ایران و کشمیر دارای پشم های نرم و محکم خوبی بوده و تا حد زیادی براق و سفید است. شاه عباس صفوی، به دلیل اینکه شاه عباس طراحان برجسته ای را از چین و ارمنستان به ایران دعوت کرد تا هنر نوین خود را به ایرانیان تعلیم دهند به همین دلیل ترمه های آن زمان زیبایی و برجستگی خاصی پیدا کرد. پس از تهیه مرغوبترین پشم، اولین کار تمیز کردن پشم از چربی و چرک موجود در آن است. (انصاری ۲۰۱۵ و یآوری ۱۳۸۲)

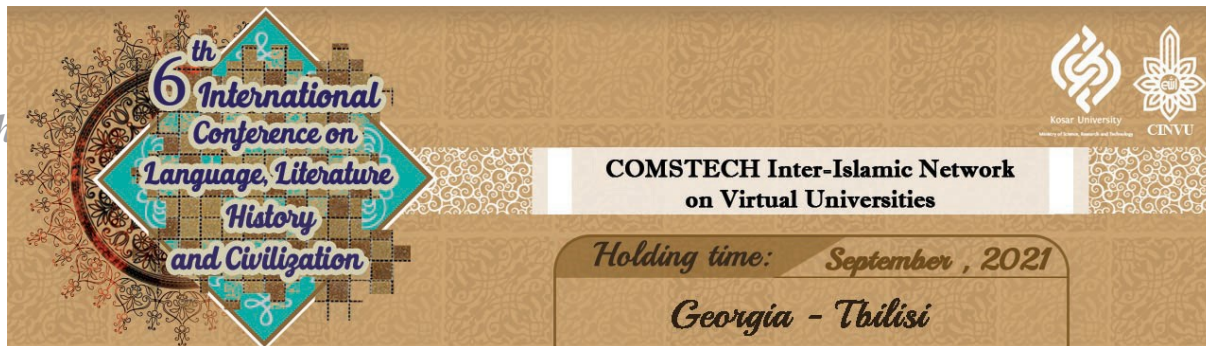
در ایران از دو روش برای سفید کردن پشم استفاده می شود: ۱- پشم ها را در چمنزار پهن می کردند تا پس از جذب شبیم و تبخیر آن در روز سفیدتر گردد و این عمل را چندین مرحله انجام می دادند ۲- استفاده از مشتقات گوگرد برای سفید کردن پشم.

بعد از اینکه پشم ها به اندازه کافی سفید شدند، نوبت رنگ نمودن آنهاست که یکی از مهمترین مراحل تهیه پشم برای بافت ترمه می باشد. رنگ ترمه های ایرانی معمولاً از گیاهان طبیعی تهیه می شود. این رنگ ممکن است از ریشه، تنه، برگها، گل، میوه و یا پوست گیاهان بدست آید.

دستگاه بافندگی ترمه، تقریباً شبیه سایر دستگاههای نساجی سنتی، چوبی است و در خود مناطق تولید و توسط صنعتگران محلی ساخته می شود. تعداد دستگاههای بافندگی در زمان قدیم در یزد حدود ۵۰۰ الی ۷۰۰ دستگاه می رسیده است اما در زمان حال این صنعت دستی تقریباً منسوخ شده است. گوشه ای از اثرات و معانی که در رنگهای ترمه وجود دارد: رنگ زرد نشانه ی مهربانی، مهمان نوازی. رنگ قرمز سمبل حیات، زندگی، انقلاب - رنگ آبی خیراندیشی به معنای ایمان و اشاره ای است به فضای لایتناهی روح - رنگ سبز نشانه امیدواری، آرامش، نشانه خوش قلبی - رنگ بنفش صفت گرم و سرد، شور و هیجان، ستایش و عظمت.

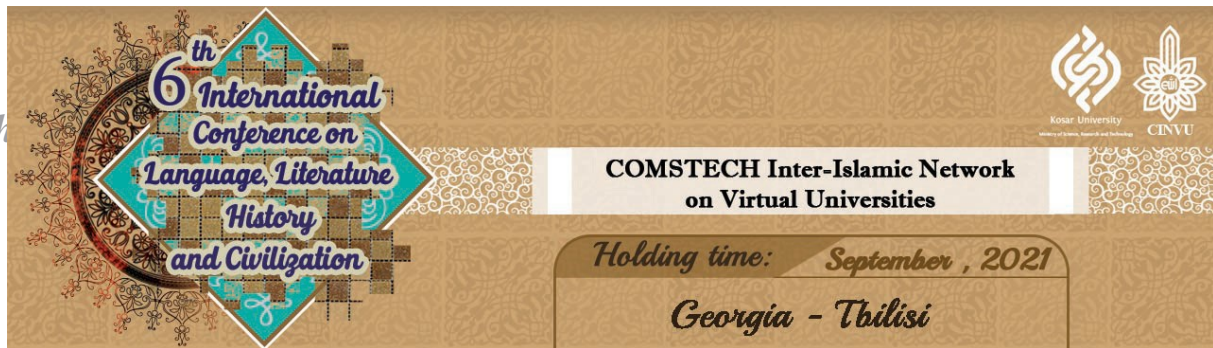
۱- ترمه ابریشمی ۲. ترمه نخی. ترمه نخی که کاربرد آن در پشت پستی، جانماز، رومیزی، سجاده و... می باشد. در طرحهای توتی، جرقهای، سالاری و بتهای تولید می شود. (منظور از سنگین باف همان بافت با تراکم بالا میباشد). (نیرومند ۱۳۹۲) راز جذابیت و زیبایی ترمه های ایرانی را باید از دو دیدگاه مورد بررسی قرار داد: ۱- تأثیر رنگ در ترمه ۲- نقش بته جقه در ترمه. مهمترین و معروفترین رنگی که در ترمه های ایران و کشمیر به کار می رفته است، رنگ نیلی بوده است که از آبی روشن تا سورمه ای تیره را به وجود آورده است. بعد از رنگ نیلی، دومین رنگ اصلی در ترمه ها رنگ زرد اسپرک بوده است. دلیل عمده به کار بردن این دو رنگ در هم تأثیر بسیار شگفت انگیز رنگ آبی و زرد در کنار هم بوده است. سومین رنگ اصلی و آخرین رنگ، رنگ قرمز است، که از ریشه روناس که در رنگهای متداول در ترمه های کشمیر و ایران زیاد به چشم می خورد به دست می آید.

منشأ اصلی «بته جقه» همان گل های صفوی است. همانطور که در تصاویر پارچه های به جا مانده از دوران صفوی دیده می شود. طبق نظر کارشناسان و هنر دوستان در زمینه وجه تشابه نقش «بته جقه» با پدیده های طبیعی، میتوان چنین گفت: آن را به درخت نخل، میوه، کاج، قطره باران، درخت سرو، سر پرند و بال پرند در لحظه جمع شدن، شعله آتش مقدس



زرتشتیان سیمرغ؛ بادام، مشتبسته به نشانه اتحاد و حتی به شیاریایی که رودخانه «جومنا» در مسیر خود از کشمیر به جلگه هندوستان ایجاد میکند تشبیه کرده اند. میتوان آن را در نامی که ایرانیان قدیمی به این طرح داده اند جستجو کرد. آنها این طرح را بته می نامند که معنی لغوی آن یک دسته برگ است. مردم ایران به سبب عشقی که به اختراع انواع مختلفی از اشکال هنری و پیچیده از یک موضوع دارند، این نقش را به وجود آورده اند که انواع گوناگونی دارد. بته میری (سرو کوچک)، بته ترمه ای (سرو متوسط) بته خرقة ای (سرو بزرگ) بته بادامی (سرو بادامی) و بته جقه ای (سرو خمیده). اما درستترین حدس برای به وجود آوردن طرح «بته جقه» همان گلهای صفوی و سپس سرو خمیده است. گلهای صفوی که غالباً همان گلهای محمدی و گلهای لاله عباسی است که یک گل بزرگ در قسمت فوقانی بوته دارند و گل فوقانی در اثر وزنش گاه خمیده نشان داده می شود. این نوع بته جقه به بته جقه «مشبک» معروف است. چرا که پیرامون بته جقه مرزبندی نشده است. این حالت بوته های گل با سرگل خمیده رفته رفته در میان طراحان مطلوب واقع شد تا اینکه در اوایل قاجار به صورت بته جقه در آمد و موجودیت اولیه خود را که بوته گل یا سرو گل خمیده بود از دست داد و فقط شکل اولیه از آن باقی ماند. مدت چندین سال است که اصل و منشاء طرح ایرانی کاج مورد بحث و گفتگوی پژوهشگران قرار گرفته است که در این میان آن را به: آتش مقدس زرتشت - کاج - نخل - بادام - گلابی - کیسه چرمی - و شکل باسهای مشتبسته بر روی یک سطح گلی یا گچی ((که در واقع بی شباهت به آن هم نیست)) - و حتی به شیاریایی که رودخانه جومنا در مسیر خود از دره کشمیر به جلگه هندوستان ایجاد میکند تشبیه کرده اند. درخت سرو از نمادهای شاخص و مقدس ایرانیان باستان به حساب می آید، به طوری که گفتن زمان مشخص برای پیدایش آن در هنرها کاری غیرممکن میباشد. (مروج ۲۰۱۶)

تاسیس سلسله صفوی به سال ۹۰۷ هـ ق کشور با رشد تجاری و حمایت سلاطین از صنایع بافندگی همراه بود. کارگاههای نساجی یزد نیز با تولید پارچه های زربفت و مخمل، به شهرتی جهانی دست یافت. در واقع فعالیت تجار در تهیه ابریشم خام از استرآباد و خراسان، نظارت دولتی بر کارگاههای نساجی و مشتریان بسیار در ایران و دیگر کشورها را میتوان از جمله مهمترین عوامل گرایش اهالی به نساجی و حتی هدایت بخشی از کشاورزی به تولید مواد خام مورد نیاز آن دانست. (سنیکیدز ۲۰۰۸) یزد که در سایه امنیت و ثبات نسبی و موقعیت مواصلاتی و جغرافیایی و قدمت منسوجاتش به دوران اولیه اسلامی میرسید همزمان با هجوم مغول و عصر ایلخانان با جذب صنعتگران دیگر مناطق، به یکی از کانونهای نساجی ایران بدل شد. گسترش همیاری نقاشان و نساجان در عصر صفوی، در یزد به خالق شاهکارهایی در خور توجه منجر گردید اما الگوبدیری طراحان یزدی از تبریز، توام با شیوع نامنی و بالطبع رکود نساجی در این منطقه باعث شد تا اواخر قرن دهم هجری قمری طرحهای یزد نیز با استثنائاتی تکراری شود. این امر که نمایی از شرایط حاکم بر دیگر مناطق، ابداعاتی شگرف در زمینه طرح و سبک پارچه بافی گردید که یکی از آنها ترمه بود. چنانکه تاثیر رخداد مذکور را در یزد میتوان در ظهر برجسته ترین طراح تاریخ نساجی ایران یعنی غیاث الدین نقشبندی یزدی شاهد بود. بر این اساس هر چند غیاثالدین همچون بهزاد بنیانگذار سبکی خاص نبود که در آثار محافظه کاری نسبت به سبک تبریز نمایان



است، اما چه در نوآوری طرح و چه از حیث ابتکارات فنی در پارچه بافی، الگویی را فراهم آورد که نساجان یزدی با پیروی از آن باعث تمایز منسوجات شهر خود از دیگر مراکز بافندگی ایران شدند. (دولایی ۲۰۱۸ و ایسرت ۲۰۱۸)

مطالعه و بررسی ترمه های موجود نشان دهنده این واقعیت است که بافت ترمه کار بسیار مشکل و طاقت فرسایی بوده است. بافت ترمه با دستگاههای سنتی نیاز به صرف وقت، دقت و مهارت فراوان بوده و به کمک این دستگاه می توان حدود ۲۰ الی ۲۵ سانتی متر ترمه مرغوب در طول روز (معادل ۸ ساعت کار مفید) بافت ولی با استفاده از دستگاه ژاکارد که در حقیقت کار گوشواره کش در دستگاههای ساده بافندگی را انجام می دهد تولید کمی افزایش یافته و به حدود ۱۰۰ سانتی متر در روز رسیده است. یکی از حساس ترین وظایف بافنده انتخاب رنگ و هماهنگی آن می باشد که ترمه باف باید سعی و دقت بسیاری در آن بکار برد و دشواری این مطلب وقتی روشن می شود که توجه کنیم تارهای ترمه باید همگی دارای یک رنگ و از یک جنس باشند و تنها انتخاب رنگ در مورد پودها متفاوت بود، یعنی زمینه همیشه ثابت و تنها در متن آن می بایست انتخاب رنگها صورت پذیرد. (کلوی ۲۰۱۹)

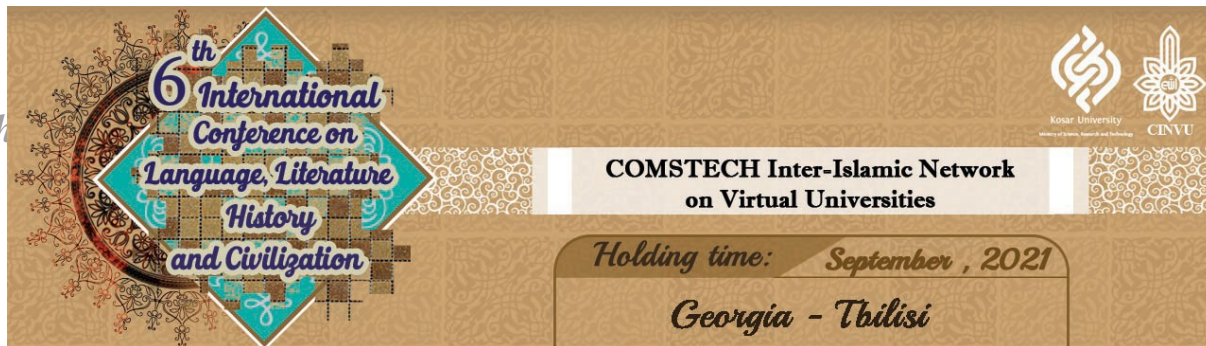
در بافتن ترمه موضوع بسیار حساس دیگر بکار بردن پودها و تارهایی با ضخامت متفاوت و همچنین طریقه بافت یعنی گذاردن این تارها و پودها در کنار یکدیگر می باشد و چون رنگ تارها ثابت است بنابراین در بیننده تنها ترکیبی از رنگهای تار و پودها به چشم می خورد که خود بیانگر دشواری کار بافنده می باشد. در بافتن شالهای کشمیری معمولاً پود را در زیر یک تار و از روی دو تار مجاور رد می کنند و این ترتیب در قسمتهای ساده شال تکرار می شود و در نقشه ها سعی می شود که این ترتیب حفظ گردد، مگر در جاهایی که نقشه حکم کند که پود از روی تعداد کمتر یا بیشتری تار رد شود. ترمه ها بر اساس تعداد رنگ نخ استفاده شده در بافت آن ها و همچنین تراکم بافت ارزش گذاری می شوند. هرچه تعداد رنگ استفاده شده در یک ترمه بیش تر باشد ارزش آن ترمه بالاتر می رود. در بین ترمه هایی هم که تعداد رنگ یکسانی دارند، طرح و تراکم بافت تعیین کننده ی ارزش ترمه می باشد. (برن ۲۰۱۳)

#### ۴- نتیجه گیری

صنایع دستی بویژه منسوجات هر قوم و ملتی، معرف ذوق و خلاقیت آنان است که در پاسخ به ضرورتهای مادی و معنوی در مرحله مشخصی از گسترش تاریخی شکل می گیرد. صنایع دستی تجلی ویژگیهای فرهنگی و مظهر تمدن انسان های هر جامعه در گذر تاریخ است. آموزش فرهنگی با نگاه تاریخی می تواند در بحث الگوی پوششی سودمند باشد. مهم ترین ویژگی ترمه، طبیعی بودن مواد آن است که هم در مواد اولیه و هم در نقوش آن جلوه گر می شود دوران طلایی هنر پارچه بافی ایرانی این هنر در دوران صفویه به سرعت ارتقا یافت و چیزی نگذشت که به مرحله ای از تکامل نائل گردید که متمایز ساختن گونه های ایرانی و کشمیری غیر ممکن شد.

در ایام اوج این هنر، ترمه بیش تر از طرف طبقات بالا به عنوان لباس رسمی یا زینت خانه مورد استفاده قرار می گرفت و همچنین به کشورهای همسایه ای که برای این پارچه ها ارزش والائی قائل بودند صادر می شد. امروزه این صنعت نیز همپایه ی پیشرفت فن آوری توانسته است از امکانات نرم افزاری رایانه ای در راستای بهتر شدن بهره گیرد و به طراحی





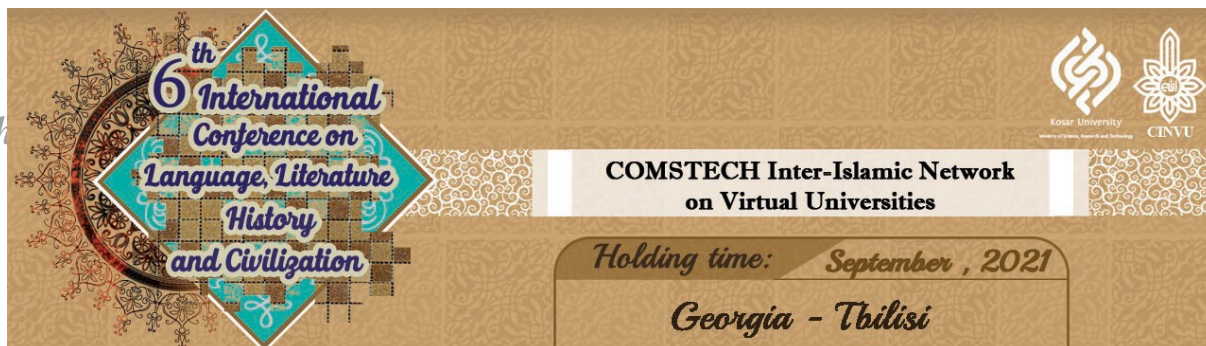
سیمایی دقیق تر و زیباتر دست یابد به گونه ای که اجرای عملیات طراحی و رنگ آمیزی این امکان را به وجود می آورد تا بافندگان و صنعت گران بتوانند نتیجه ی کار خود را قبل از انجام بافت مشاهده نمایند و با سرعت بیشتری به تغییر و اصلاح آن پردازند.

به گواه تاریخ هر چند غیاث همچون بهزاد بنیان گذار سبکی خاص نبود که در آثار محافظه کاری نسبت به سبک تبریز نمایان است، اما چه در نوآوری طرح و چه از حیث ابتکارات فنی در پارچه بافی، الگویی را فراهم آورد که نساجان یزدی با پیروی از آن باعث تمایز منسوجات شهر خود از دیگر مراکز بافندگی ایران شدند و باعث شد یزد که در سایه امنیت و ثبات نسبی و موقعیت مواصلاتی و جغرافیایی و قدمت منسوجاتش به دوران اولیه اسلامی می رسید همزمان با هجوم مغول و عصر ایلخانان با جذب صنعتگران دیگر مناطق، به یکی از کانونهای نساجی ایران بدل گردد.

لذا می توان با تقویت باورهای فرهنگی مربوط به اشتغال در این حوزه (صنایع دستی یزد)، ارائه امتیازات خاص به شاغلین انگشت شمار در این رشته هنری و حمایت همه جانبه از این هنرمندان، شاهد تحولی عظیم در شکوفایی و رونق اقتصادی این هنر باشیم.

### تشکر و قدردانی

نویسندگان از مرکز علمی کاربردی جهاد دانشگاهی کرج- البرز که فرصت مطالعه پژوهشی را با دسترسی به اسناد و مدارک علمی در ایام کرونا محیا نمودند، تشکر می کنند.



## منابع

- رمضانی، صد یقه ۱۳۸۷ هجر نساجی در شهر یزد. یزد: سبحان نور.
- نیرومند، پوران‌دخت (۱۳۹۲) آموزش هنر قالی بافی. انتشارات بازتاب.
- یاوری، حسین (۱۳۸۲) آشنایی با هنرهای سنتی. انتشارات موسسه صباى سحر.
- یوسف جمالی محمد کریم، ابطحی سید علیرضا، امامی سید منصور ترمه کشمیری (یزدی) فصلنامه علمی پژوهشی مطالعات تاریخی جهان اسلام، دوره ۴ شماره ۸ پاییز و زمستان ۱۳۹۵
- Ansari, H. R. (2014). A value chain and marketing of Iranian cashmere. *Media Peternakan*, 37(1), 61-61.
- Ansari-Renani, H. R. (2015). Cashmere production, harvesting, marketing and processing by nomads of Iran-A review. *Pastoralism*, 5(1), 1-10.
- Brun, A., & Faust, M. E. (2013). Cashmere. *International Journal of Retail & Distribution Management*
- Calvi, G. (2019). Imperial Fashions: Cashmere Shawls between Istanbul, Paris, and Milan (Eighteenth and Nineteenth Centuries). In *Dress and Cultural Difference in Early Modern Europe* (pp. 159-176). De Gruyter Oldenbourg.
- Dulabi, T. D., & Shool, S. (2018). The role of Ghiyas-uddin in Textile Industry during Safavid Era. *International Journal of Applied Arts Studies (IJAPAS)*, 3(3), 65-71.
- Ishrat, S. I., Grigg, N. P., Jayamaha, N., & Pulakanam, V. (2018). Cashmere Industry: Value chains and sustainability. In *Sustainability in Luxury Fashion Business* (pp. 113-132). Springer, Singapore.
- Latif, S., Wahab, Z. U., Shah, S. M., & Khan, M. T. (2019). The Persian influence on the traditional arts of Kashmir with special reference to textile industry
- Moravej, E. (2016). Comparative study of Graphic aspects of textiles in Indian Gurakani and Iranian Safavid eras. *Bulletin de la Société Royale des Sciences de Liège*, 85, 793-806.
- Rafat, S. A. (2020). New Look on an Ancient Fiber of Cashmere. *Goats (Capra): From Ancient to Modern*, 83
- Sanikidze, G. (2008). A Historical Survey of the Georgian–Iranian Relations in the Nineteenth Century. *Journal of Persianate Studies*, 1(2), 148-173.